

دو سیاست خارجی دو جهت متفاوت

سایمک باقری

سیاست خارجی ایران قبل و بعد از انقلاب تفاوت ماهوی داشته، مبانی سیاست خارجی قبل از انقلاب در دوران رژیم شاهنشاهی عمدتاً فردگرایانه و در ظاهر بر بنیاد ناسیونالیسم ایرانی و یک سری مباحث موهوم اندیشه‌های ایران شهری استوار بود. س‌وای این موضوع مبانی سیاست خارجی رژیم سابق بر یک سری اصول ثابت استوار بود از جمله موقعیت ژئوپلیتیکی ایران و مسائل مربوط به تاریخ تحولات سیاسی ایران و یک سری دیدگاه‌ها و اندیشه‌های شخصی کارگزاران مدیریت سیاست دیپلماسی ایران. در رژیم سابق قانون اساسی کمترین جایگاه را در مبانی سیاست خارجی داشت، اما در دوران بعد از انقلاب مبانی سیاست خارجی ما به طور کلی دگرگون شد. در درجه اول مردم نقش قابل توجهی در این مسئله پیدا کردند. به طور نظام‌مند این

مبانی بر اصول قانون اساسی استوار بود و ایدئولوژی اسلامی روح حاکم بر این جهت‌گیری‌ها و مبانی سیاست خارجی ایران بود. علاوه بر این موقعیت ژئوپلیتیکی ایران مسائل تاریخی ایران، همه این‌ها در زمینه سیاست خارجی ما نقش داشته. این دو مبانی در واقع ناشی از یک‌سری بنیادهای دیگری از تحولات داخلی هم بود. رژیم سابق از آن جایی که از مشروعیت لازم در داخل

برخوردار نبود. بنابراین برای اینکه بتواند پایداری نظام را تداوم ببخشد، ناچار بود که متکی بر منابع بیرونی جهت تنظیم راهبردهای سیاست خارجی باشد. در حالی که اگر انقلاب از آنجایی که در سیر سیاسی جدید از مشروعیت مردمی برخوردار بود و اساساً مردم‌سالاری دینی حاکم می‌شد، سیاست داخلی ایران به طور کاملاً مشهود بر مبانی و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی تأثیرگذار می‌شد. محور بعد این بحث این است که از قبل چنین مبانی و جهت‌گیری‌هایی چه پیامدها و چه دستاوردهایی این سیاست خارجی برای ایران داشته است. در ابتدا پیامدهای سیاست خارجی رژیم شاه را عرض می‌نمایم.

برخوردار نبود. بنابراین برای اینکه بتواند پایداری نظام را تداوم ببخشد، ناچار بود که متکی بر منابع بیرونی جهت تنظیم راهبردهای سیاست خارجی باشد. در حالی که اگر انقلاب از آنجایی که در سیر سیاسی جدید از مشروعیت مردمی برخوردار بود و اساساً مردم‌سالاری دینی حاکم می‌شد، سیاست داخلی ایران به طور کاملاً مشهود بر مبانی و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی تأثیرگذار می‌شد. محور بعد این بحث این است که از قبل چنین مبانی و جهت‌گیری‌هایی چه پیامدها و چه دستاوردهایی این سیاست خارجی برای ایران داشته است. در ابتدا پیامدهای سیاست خارجی رژیم شاه را عرض می‌نمایم.

دهه فجر و نسخه جین شارب



مرور وقایع قبل و بعد از انتخابات دهم ریاست جمهوری و تطبیق آن با وقایع و حوادث کشورهایی چون اوکراین، لهستان و گرجستان و همچنین بررسی نظریه‌های برخی از متفکران آمریکایی در خصوص حاکمیت لیبرال دموکراسی غربی بر دنیا و نحوه مقابله با مخالفین این تفکر، می‌تواند دلیلی محکم و مستدل برای اثبات طرح‌براندازی نرم و انقلاب مخملی در جمهوری اسلامی باشد. ادعایی که بسیاری از سران اصلاح‌طلب و گردانندگان فتنه آن را رد کرده و معتقدند این وقایع از پیش طراحی شده نبود و به شکلی خودجوش اتفاق افتاد. برای تبیین بهتر موضوع و اثبات ادعای انقلاب مخملی در ایران کافی است سری به کتاب جین شارب بزنیم. جین شارب یک نظره‌پرداز ۸۳ آمریکایی است که در موسسه آلبرت اینشتین مشغول

ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نمایم و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم‌ا اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است. و کشور ایران به عنوان یک دژ نظامی و آسیب‌ناپذیر نیاز سربازان اسلام را تأمین و آنان را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین به اصول و روشهای مبارزه علیه نظامهای کفر و شرک آشنا می‌سازد.

صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۳۸



انقلاب با توجه به تغییراتی که در مبانی سیاست خارجی ایران صورت گرفت و نقشی که ایران بر اساس مبانی جدید خودش پیدا کرد منجر به دستاوردهای قابل توجهی در حوزه بین‌الملل برای جمهوری اسلامی شد. اولین دستاورد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در واقع استقلال کامل ایران در ابعاد مختلف از جمله در حوزه تصمیم‌گیری و سیاست خارجی در حوزه راهبردها و تنظیم سیاست‌ها و اجرای دیپلماسی جمهوری اسلامی، استقلال کامل پیدا کرد و می‌توان گفت که ایران در آن وابستگی کامل که به شرق و غرب داشت به یک استقلال کامل رسید و سیاست نه شرقی و نه غربی در همه عرصه‌ها ساری و جاری شد. دومین دستاورد برخورداری از عزت و سربلندی ایران در جهان است. ایران پس از دوران انقلاب به یک ایران ظلم‌ستیز و علیه استکبار تبدیل شد. به یک ایرانی که به هیچ یک از

قدرت‌ها حاضر به باج دادن نبود به همین جهت از ایران به نیکی در محافل و مجمع‌های جهانی یاد می‌شود و در میان آزادی‌خواهان جهان جایگاه ممتازی پیدا کرد و در همین راستا غارت‌های مادی و معنوی که توسط کشورهای غربی از ما صورت می‌گرفت، قطع شد.

سویمین دستاورد انقلاب احیای هویت ایرانی و اسلامی است و در همین راستا است که نام ایران در جهان آوازه شگفت‌آوری را پیدا کرد. بیداری اسلامی و بازیابی هویت در همین راستا صورت می‌گیرد و هویت شیعی در منطقه و جهان و یک‌سر زندگی و بالندگی پیدا می‌کند و به طور کلی هر ایرانی در جهان احساس هویت و استقلال می‌کند. براساس اتخاذ سیاست‌های استقلال‌گرایانه و قاطعانه در سیاست خارجی ایران پس از انقلاب چهارمین دستاورد ایجاد تصویری قدرتمندانه از ایران در دو حوزه منطقه‌ای و جهانی است. پس از انقلاب اسلامی است که غرب و استراتژیست‌های جهانی در واقع اعتراف کردند که ایران تنها قدرت در منطقه خاورمیانه است به همین ترتیب بسیاری از اندیشمندان و متفکران حوزه روابط بین‌الملل اذعان دارند که ایران دارای قدرت نه تنها منطقه‌ای بلکه

روش‌ها که پیوست کتاب فوق می‌باشد، دستورالعمل حوادث پس از انتخابات بود. بررسی حوادث اخیر در ایران نشان می‌دهد گردانندگان و سران آنتوب حدود ۱۲۰ روش از روش‌های پیشنهادی شارب را به منصفه ظهور گذاشته و آن را عملیاتی کردند.

از جمله روش‌های پیشنهادی در این کتاب تجمع و تحصن‌های گسترده، شعارسازی، استفاده از کاریکاتور و نمادها، پرچم‌ها، روزنامه‌ها، رادیو و تلویزیون، آسمان‌نویسی، زمین‌نویسی و دیوارنویسی بود که به طور گسترده در حوادث اخیر مورد استفاده قرار گرفت.

جین شارب در پیشنهاد ۱۸ تا ۳۰ خود مواردی را بیان می‌دارد که در حوادث قبل و پس از انتخابات بدون کمترین تغییر مورد استفاده قرار گرفت. وی در بند ۱۸ تا ۳۰ استفاده از رنگ‌ها و پرچم‌های نمادین، پوشش‌های نمادین، اجرای نماز نمادین، حمل اشیای نمادین، تخریب اموال شخصی، استفاده از نوارهای نمادین، نمایش تصاویر افراد و شخصیت‌ها، ایجاد صداهای نمادین، انعام ادا و اطوار گستاخانه (برای جلب توجه) و بسیاری از موارد دیگر که تماماً در حوادث اخیر قابل مشاهده بود را ارائه داده است. استفاده از رنگ سبز، نوار سبز، پرچم‌های نمادین، متهم کردن دولت به عبور از قانون، حضور نمادین در نماز جمعه، تخریب اموال عمومی و شخصی، دیوارنویسی، شعارنویسی، زمین‌نویسی و حتی پول‌نویسی و نیز مانور دادن بر روی واژه دیکتاتور و شعار مرگ بر دیکتاتور نمونه‌های کپی‌برداری شده از توصیه‌های جین شارب آمریکایی است.

جریان موسوم به موج سبز در ابتدا با استفاده از رنگ سبز به عنوان نماد رنگین خود و استفاده از احساسات مذهبی با توجه به جایگاه رنگ سبز در اعتقادات مذهبی ملت ایران توانست بخشی از جامعه را با خود همراه سازد و تا حدودی پروژه‌های مورد تأکید شارب افراد و شخصیت‌ها، ایجاد صداهای نمادین، انعام ادا و اطوار گستاخانه (برای جلب توجه) و بسیاری از موارد دیگر که تماماً در حوادث اخیر قابل مشاهده بود را ارائه داده است. استفاده از رنگ سبز، نوار سبز، پرچم‌های نمادین، متهم کردن دولت به عبور از قانون، حضور نمادین در نماز جمعه، تخریب اموال عمومی و شخصی، دیوارنویسی، شعارنویسی، زمین‌نویسی و حتی پول‌نویسی و نیز مانور دادن بر روی واژه دیکتاتور و شعار مرگ بر دیکتاتور نمونه‌های کپی‌برداری شده از توصیه‌های جین شارب آمریکایی است.

جریان موسوم به موج سبز در ابتدا با استفاده از رنگ سبز به عنوان نماد رنگین خود و استفاده از احساسات مذهبی با توجه به جایگاه رنگ سبز در اعتقادات مذهبی ملت ایران توانست بخشی از جامعه را با خود همراه سازد و تا حدودی پروژه‌های مورد تأکید شارب



جهانی است و تأثیرگذار در قدرت جهانی و چنین تصویر قدرتمندی از ایران در هیچ یک از دوره‌های ۳۰۰ ساله اخیر وجود نداشته است. دستاورد پنجم نقش‌آفرینی ایران در تحولات و جریانات جهانی است. پس از انقلاب با اتخاذ دیپلماسی بسیار قوی موفق شدیم در تغییر معادلات قدرت در جهان نقش قابل توجهی داشته و در معادلات قدرت منطقه‌ای ایران موفق به تأثیرگذاری موثر شود به نحوی که ما پس از انقلاب شاهد جابه‌جایی قدرت در حوزه خلیج فارس و در حوزه خاورمیانه هستیم و در همین راستا نقش‌آفرینی ایران در مانع شدن از اجرای بسیاری از سیاست‌های خصمانه استکبار در منطقه و در خود ایران را شاهد هستیم. ناکام‌سازی سیاست‌های آمریکا و غرب در خاورمیانه و شکست انواع و اقسام طرح‌ها در خاورمیانه ناشی از همین اتخاذ سیاست خارجی مستقل و قدرتمندانه بوده از سوی دیگر ایران نقش‌آفرینی‌های بی‌بدیلی را در سازمان‌های بین‌المللی داشت و در همین راستا ما در سازمان‌های منطقه‌ای هم شاهد

نقش‌تعیین‌کننده ایران هستیم. دستاورد بعدی ایجاد امید در جوامع اسلامی و مستضعفین جهان است. سیاست خارجی ایران با توجه به رهیافت حمایت از کلیه مستضعفین و آزادی‌خواهان جهان که شعار امام راحل بود یک بارقه امید را در دل‌ها ایجاد کرد که آن‌ها هم می‌توانند مانند ایران در برابر ابرقدرت‌ها بایستند و در همین راستا شاهد یک فرآیند جدید هستیم که فرآیند تقویت روحیات ضد استکباری در جهان است. مورد بعدی ایجاد ترس و واهمه در قدرت‌ها و کشورهای استکباری است که به جهت همین طرح آن‌ها شروع به انواع توطئه‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران کردند که در این مورد می‌توان به همان جمله رئیس جمهور رژیم جعلی صهیونیستی متوسل شویم که گفت: ظهور انقلاب اسلامی زلزله سیاست بزرگی در منطقه بود و این در واقع تأثیری است که سیاسی خارجی ایران بر قدرت‌های جعلی و استکباری گذاشت. مورد بعدی به چالش کشیده شدن سیاست لیبرال دموکراسی غربی بود. سیاست خارجی ایران به طور بی‌تظنیر و بی‌بدیلی هر دو ایدئولوژی لیبرالی و سوسیالیستی را به چالش کشاند و آن‌ها را در موقعیت بسیار بسیار تهدیدآمیزی قرار داده به گونه‌ای که خیلی معتقد بر این هستند که فروپاشی سوسیالیسم یکی از دلایلش ظهور انقلاب اسلامی و وقوع گفتمان انقلاب اسلامی در عرصه‌های بین‌المللی است و آخرین مورد برخورداری از دیپلماسی تهاجمی و عزتمندانه است و از ناحیه دیپلماسی تهاجمی و عزتمندانه است که جمهوری اسلامی بسیاری از تحولات را در عرصه‌ها و سطوح مختلف در منطقه و فرامنطقه ایجاد کرده است که با بررسی این پیامدها و بسیاری از پیامدهای دیگر می‌توان این نتیجه را گرفت که سیاست خارجی ایران به طور

کاملاً و صد درصد متفاوت با دوران قبل از انقلاب بوده و این نوع سیاست خارجی بیشترین تأمین‌کننده منافع ملی جمهوری اسلامی و امنیت جمهوری اسلامی و ارتقاء بخش هویت ایرانی و اسلامی بوده و در حالی که سیاست خارجی ایران تنها منافع ملی و امنیت ایران را تأمین نمی‌کرد بلکه عزت و هویت تاریخی را به سمت نابودی و اضمحلال پیش می‌برد. اگر چه شاه بحث رسیدن به تمدن بزرگ ایرانی را مطرح می‌کرد، اما هر گامی از سیاست خارجی رژیم سابق به سوی انحطاط تمدنی ایرانی بود در حالی که پس از انقلاب نوع سیاست‌ها و موضع‌گیری‌های قوی جمهوری اسلامی ایران منجر به تقویت این هویت و تمدن شد و بنای جدیدی برای اعتلای این تمدن در جهان شد و موجب تحولات دگرگون‌ساز در جهان شد.

را عملیاتی نماید. این جریان‌هاست با طراحی پروژه کشته‌سازی که کد آن را حجاریان با بیان اینکه اصلاحات نیاز به خون دارد، داده بود سعی داشت با متهم کردن نظام به خشونت و زیر سوال بردن مشروعیت آن بدنه اجتماعی خود را گسترده‌تر کرده و در ادامه با استفاده از شیوه‌های پیشنهاد شده در کتاب از دیکتاتوری تا دموکراسی، فضا را به سمت تحقق انقلاب مخملی و فروپاشی نرم نظام پیش برد.

با خوبیش‌تن‌داری نظام و تدابیر رهبر معظم انقلاب آرام آرام چهره نفاق جریان سبز نمایان گردید و به مرور ریزش‌ها در بدنه این جریان آغاز شد. این ریزش خصوصاً پس از نماز جمعه تاریخی تهران با اوج خود رسید و جریان فتنه را با انفعال مواجه نمود. جریان فوق با تأسی از نکات جین‌شارب سعی داشت از مناسبت‌های مختلف از جمله روز قدس و ۱۳ آبان برای رسیدن به اهداف خود استفاده نماید لکن به علت طرح شعارهای مغایر با اهداف نظام ریزش‌های این جریان ادامه یافت. با این روند جریان طبق توصیه یکی از لیدرهای خود پروژه کشته‌سازی در ۱۶ آذر را مجدداً طراحی نموده و سعی کردند با این طراحی در ۱۶ آذر و روز عاشورا شوک احساسی به جامعه وارد نمایند. عدم تحقق این هدف و نیز اشتباه احمقانه در روز عاشورا موجب انفعال مجدد جریان فتنه گردید.

شکست جریان فوق در پروژه کشته‌سازی در روز ۱۶ آذر و همچنین عاشورا و حماسه ۹ دی موجب گشت هدایتگران جریان فتنه برای ایام دهه فجر مجدداً به روش‌های توصیه شده جین‌شارب روی آورده تا شاید بتوانند موج مرده خود را به حرکت درآورند.

فتنه‌گران سعی دارند در دهه فجر که آن را دهه سبز نامیده‌اند به مدت ۱۰ روز نسخه شارب را به اجرا بگذارند. زمین‌نویسی، دیوارنویسی، اسکانس‌نویسی، تأکید بر شعار مرگ بر دیکتاتور، سردادن شعار، ایجاد سر و صدا، تجمع در دانشگاه‌ها، حضور در سخنرانی دکتر احمدی‌نژاد در روز ۲۲ بهمن و ایجاد بی‌نظمی جهت توهین به سخنران و مواردی دیگر از جمله اقدامات پیشنهادی سران فتنه سبز برای ایام دهه فجر می‌باشد که به راحتی می‌توان دریافت جین‌شارب و کتابش مهمترین منبع برای اقدامات ضد انقلابی جریان سبز است.